
زیارت ناحیه مقدسه*

حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طبسی*

* این مقاله، از سلسله بحث‌های حدیث‌شناسی مهدویت است که در مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم توسط استاد شیخ نجم‌الدین طبسی تدریس شده است. این نوشتار توسط یکی از دانش‌پژوهان این مرکز، حجت‌الاسلام لطفی تقریر و تنظیم شده و در اختیار مجله قرار گرفته است.
* استاد حوزه و دانشگاه.

چکیده

زیارت ناحیه معروف، از جانب امام عصر (عج) به ما رسیده آن، غیر از «زیارت الشهداء یوم عاشورا» است که راوی آن، سید بن طاووس در کتاب *اقبال* می‌باشد. دو اشکال بر آن وارد شده که عبارتند از: ۱. تاریخ این زیارت سه سال قبل از تولد امام زمان (عج) است. ۲. وجود افراد مجهول در سند آن که البته به هر دو اشکال پاسخ داده شده است. اما زیارت ناحیه معروف که ابن المشهدی آن را در کتاب *سزار* آورده است، از سه جهت مورد بررسی است:

۱. آشنایی با مؤلف و میزان اعتبار و وثاقت او که مرحوم ابن طاووس، شهید اول، حر عاملی، محدث نوری، سید محسن عاملی، مرحوم مدرس، شیخ عباس قمی، آقا بزرگ طهرانی و استادمان آیت‌الله العظمی وحید خراسانی او را معتبر می‌دانند.

۲. آشنایی با کتاب که آن نیز مورد اعتماد شیعه است؛ همان‌گونه که مرحوم مجلسی در *تحفة الزائر، بحار الانوار* و نیز مرحوم نوری و سید محسن امین به آن اعتماد داشتند.

درباره میزان اعتبار زیارت ناحیه طبق گفته مرحوم مجلسی و سید مرتضی، حضرت، در اولین زیارت از امام حسین (ع)، این زیارت را قرائت کرده است؛ ولی شبهاتی نیز در آن مطرح است؛ از جمله:

۱. اگر اعتبار داشت، چرا مرحوم قمی در *مفاتیح الجنان* آن را نیاورده است؟

۲. وجود بعضی از عبارات که مناسب شأن نیست؛ همانند «ناشرات الشعور».

۳. اشکال مرحوم آیت‌الله‌العظمی خوئی به مؤلف و کتاب.

پاسخ اشکال اول، این که قسمتی از آن را در *نفس المهموم* آورده است و پاسخ اشکال دوم، این که منظور این است که در زیر حجاب و چادر، گیسوان پریشان بوده، نه این که مکشوف باشد. اشکال آقای خوئی نیز مبنایی است.

در خاتمه به منابع نقل این زیارت از شیخ مفید و سید مرتضی و ابن طاووس و مجلسی و فیض کاشانی و ابراهیم بن محسن فیض اشاره کرده‌ایم و بالاخره این زیارت، از جهات سند و متن مورد تقویت و معتبر است.

کلید واژه‌ها: ادعیه و زیارات، زیارت ناحیه مقدسه، نقد و ارزیابی، سند و دلالت زیارت.

کاوشی در سند

روش بحث

در بحث حدیث‌شناسی روش ما بررسی موضوعی احادیث مهدویت است نه تجزیه‌ای. در روش تجزیه‌ای؛ یعنی متون احادیث شیعه یا سنی به ترتیب - و حدیث حدیث - بررسی می‌شود؛ البته آشنایی با متون احادیث، فقه الحدیث و مدارک حدیث ضروری است؛ ولی از آن جا که حجم و تعداد احادیث زیاد است؛ لذا روش تجزیه‌ای و رسیدگی به یک یک این متون، وقت فراوانی می‌طلبد.

از این رو بحث ما موضوعی است. مقصود ما از بحث موضوعی این است که موضوعی را مثل حکومت‌های بعد از حضرت مهدی علیه السلام یا داستان حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان علیه السلام یا قیام‌های دوران غیبت یا جزیره خضراء در روایات و متون و... مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. شیوه بحث به این صورت خواهد بود:

۱. ما در *معجم احادیث الامام المهدی* با وجود فشردگی زیاد و حذف مکررات و ادغام احادیث متشابه، حدود ۲۵۰۰ حدیث آورده‌ایم. البته مستدرکاتی هم دارد که ممکن است به هزار حدیث برسد؛ یعنی احادیث مهدویت بالغ بر ۳۵۰۰ حدیث است.

گام اول، متن را در حد امکان، از قدیم‌ترین منبع نقل می‌کنیم. گام دوم، منابع و مصادر نقل آن روایت از گذشته تا کنون است؛ زیرا کثرت نقل یا عدم آن، دلیل یا مؤیدی بر اعتنا یا عدم اعتنا است. گام سوم، بررسی سندی است؛ یعنی این حدیث از چند طریق رسیده و در آخر به چند نفر می‌رسد و میزان اعتبار راویان تا چه حدی است؟ گام چهارم این که اگر در این رابطه، از بزرگان مطالبی در رد یا قبول متن یا مضمون آمده مطرح و در آخر، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی می‌شود.

مقدمه

موضوع بحث ما بررسی سندی زیارت ناحیه است که به طور مختصر به آن می‌پردازیم؛ اما قبل از ورود به بحث، لازم است بدانیم ما دو زیارت با عنوان «ناحیه» داریم: ۱. زیارة الشهداء یوم عاشورا ۲. زیارة الناحیه (مشهور). مرحوم ابن طاووس در دو کتابش *الاقبال* و *مصباح الزائر* این زیارات را نقل کرده است. وی زیارت اول را این گونه روایت می‌کند:

روینا باسنادنا الی جدی ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی رضی الله عنه قال حدثنا الشیخ ابو عبد الله محمد بن احمد بن عیاش قال حدثنی الشیخ الصالح ابو منصور بن عبد المنعم بن النعمان البغدادی قال: خرج من الناحیه سنة اثنتين و خمسين و مأتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الاصفهانی حین وفات ابی و كنت حدیث السنن و کتبت استأذن فی زیارة مولای ابی عبدالله علیه السلام و زیارة الشهداء - رضوان الله علیهم - . فخرج الی منه:

بسم الله الرحمن الرحیم. اذا اردت زیارة الشهداء - رضوان الله علیهم - فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین - صلوات الله علیهما - فا ستقبل القبلة بوجهک فان هناك حومة الشهداء. ^۲ و أوم و أشر الی علی بن الحسین و قل:

۱. *الاقبال بالأعمال الحسنة*، ج ۳، ص ۷۳ و *بحار الأنوار*، ج ۹۸، ۲۶۹.

۲. هشتاد شهید را نام می‌برد که نخستین آن‌ها حضرت علی اکبر است که حضرت به آن‌ها سلام می‌کند. از نکات جالب این زیارتنامه این است که فرازهایی از رجزهای اصحاب را در میدان مبارزه نقل می‌کند و پس از آن، معمولاً به

السلام عليك يا اول قتيل من نسل خير سليل من سلالة ابراهيم الخليل صلى الله عليك و على ابيك اذ قال فيك: قتل الله قوما قتلوك يا بُنى ما أجرأهم على الرحمن و على انتهاك حرمة الرسول. على الدنيا بعدك العفا! كأنى بك بين يديه مائلاً و للكافرين قاتلاً:

انا على بن الحسين بن علي نحن و بيت الله أولى بالنبى
 أطعنكم بالرمح حتى يئننى أضربكم بالسيف أحمى عن أبى
 ضرب غلام هاشمى عربى والله لا يحكم فينا ابن الدعى
 حتى قضيت نجبك ولقيت ربك. أشهد أنك أولى بالله و برسوله و أنك ابن
 رسوله و ابن حجته و أمينه حكم الله لك على قاتلك مرة بن منقذ بن النعمان
 العبدى لعنه الله و أخزاه و من شرکه فى قتلك.

بحث در سند

این زیارت را شیخ مفید و سید مرتضی با حذف سند در قسمت زیارات عاشورا نقل کرده‌اند. همچنین مرحوم ابن طاووس در اقبال از ابومنصور بغدادی نقل کرده است که نقل او گذشت. اکنون به بحث‌های سندی و بررسی اشکال‌های وارده می‌پردازیم.^۱

الف. تاریخ صدور توقیع

تاریخ صدور توقیع، سه سال قبل از ولادت امام زمان علیه السلام است.

در جواب این اشکال می‌گوییم:

۱. ممکن است در نوشتن تاریخ اشتباهی از نسخ رخ داده باشد یا در خواندن و قرائت اشتباه شده باشد و عدد شش را به اشتباه پنج خوانده باشند؛ یعنی تاریخ صدور آن ۲۶۲ هـ باشد.

....→

قاتل آن شهید نیز اشاره می‌کند.
 ۱. ر.ک: صفحه اول همین مقاله.

۲. ممکن است این زیارت، از امامین عسکریین علیهم السلام باشد؛ چون در سند، تصریح نشده که این زیارت، از ناحیه امام عصر است و فقط تعبیر «عن الناحیه المقدسه» آمده است.

ب. وجود افراد مجهول در سند

در سلسله سند این توقیع، افرادی مجهول الحال هستند که عبارتند از:

۱. محمد بن احمد بن عیاش

۲. ابو منصور بغدادی

۳. محمد بن غالب اصفهانی

در جواب این اشکال نیز می‌گوییم: برخلاف اشکال سندی، در تأیید این نقل چند قرینه هست:

۱. این متن، در بر دارنده برخی معارف و اخلاقیات و نکات تاریخی است که با مضامین دیگر ادعیه و زیارات و نصوص معتبر مطابقت دارد که نمی‌توان تنها به دلیل ضعف سندی به آسانی از آن دست کشید؛ (فتأمل). شاید این روایت، نظیر زیارت جامعه باشد که سندش از نظر فنی دچار مشکل است (محمد بن موسی نخعی، راوی آن، مجهول است)؛ ولی بزرگان ما همانند امام خمینی فرموده‌اند: قطعاً این متن زیارت جامعه، از امام معصوم است و آیت‌الله وحید خراسانی می‌فرماید: «این لفظ، لفظ غیر معصوم نمی‌تواند باشد و قطعاً از امام است. ما بعضی جاها باید از چارچوب تضعیف و توثیقات نجاشی و کشی خارج شویم».

دعای افتتاح نیز همین گونه است (توقیع است)؛ ولی متن دعا به گونه ای است که از غیر معصوم صادر نمی‌شود؛ همین‌طور دعای ندبه و.... ممکن است بگوییم زیارت ناحیه نیز چنین است.

۲. این بحث، بحث فقهی و کلامی نیست تا نیاز به بررسی سندی داشته باشد؛ در نتیجه قاعده تسامح در ادله سنن - علی المینا - مشکل ضعف سند را حل می‌کند و ما در این گونه بحث‌ها احتمال تقیه نمی‌دهیم.

۳. این متن، تقریباً با نصوص تاریخی فریقین مطابقت دارد. اما درباره عدد شهدا که تقریباً ۸۰ نفر را نام برده نیز باید گفت: بله، البته بعضی از مورخین عدد شهدا را تا ۱۰۳ و ۱۱۳ نفر هم ذکر کرده‌اند؛ ولی به سبب آن اختلاف نظر و اقوال نمی‌توان این تویق را کنار گذاشت؛ بلکه باید این تویق را محور قرار بدهیم یا دست کم بگوییم عدد مذکور قولی از اقوال است.

۴. کتب علمای رجال، در مقام توثیق برخی از روایات، به فزاهایی از این زیارت استناد می‌کنند و این، نشانگر آن است که زیارت را تلقی به قبول کرده‌اند.

اما زیارت ناحیه معروف

مرحوم ابن المشهدی در المزار الکبیر و مرحوم ابن طاووس نیز در مصباح الزائر آن را نقل کرده‌اند. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار^۱، آن را ذکر کرده و می‌فرماید: الظاهر أنها من تألیفات السید و المفید ولعله وصل إليهما خبر فی کیفیة الصلاة فان الاختراع فیها غیر جائز^۲.

ابن طاووس تصریح کرده است که سید مرتضی، امام حسین علیه السلام را با این عبارات، زیارت می‌کرده است: زیارة بالفاظ شافیة یذکر فیها بعض مصائب یوم الطف یزار بها الحسین علیه السلام.

البته معنای این عبارت، این نیست که الفاظ و عبارات از خودش باشد؛ زیرا برای مثال: اگر در کتاب روضة المتقین دیدیم که مجلسی اول (مولا محمد تقی) گفته است: «من در مدتی که در عتبات عالیات بودم، فقط با این الفاظ زیارت می‌کردم (به زیارت جامعه اشاره دارد)»، آیا معنایش این است که عبارات از خود او است؟ ابن طاووس می‌گوید: «ان المرتضی کان یزور بهذه الالفاظ». علامه مجلسی نیز تعبیر به «الظاهر» دارد؛ ولی در مقابل مشهدی گوید: «انها صدرت من الناحیه المقدسه».

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۹۸، ص ۲۵۱.

بحثنی درباره کتاب المزار الكبير

محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل^۱ می گوید:

کتاب المزار: قال فی البحار: «کتاب کبیر فی الزیارات تألیف محمد بن المشهدی کما ینظر من تألیفات السید بن طاووس و اعتمد علیه و مدحه و سَمیناه بالمزار الکبیر» و قال فی الفصل الاخر: «و المزار الکبیر ینعلم من کیفیة اسناده انه کتاب معتبر و قد أخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیرا من الاخبار و الزیارات^۲ و قال الشیخ منتجب الدین فی الفهرست: «ابو البرکات محمد بن اسماعیل المشهدی فقیه محدث ثقة». و منه ینظر انه معدود فی زمرة الفقهاء کما انه ینظر من صدر کتابه الاعتماد علی کل ما أودعه فیه و انّ ما فیه من الزیارات کلها مأثورة و ان لم یستند بعضها الیهیم عليه السلام فی محله. قال بعد خطبته: «فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد و ما ورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات و الادعیة المختارات و ما یدعی به عقیب الصلوات و ما یناجی به القدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات و ما یلجأ الیه من الادعیة عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الروات الی السادات و حثنی الی ذلك ایضا...»

کتاب مزار: [مرحوم مجلسی درباره این کتاب] در بحار الانوار می گوید: «کتاب بزرگی است درباره زیارات و چنان که از نوشته های سید بن طاووس به دست می آید، این کتاب از تألیفات محمد بن مشهدی است و ابن طاووس، بر این کتاب، اعتماد نموده و آن را مدح کرده است. و ما «مرحوم مجلسی» آن را المزار الکبیر نامیدیم». و باز مرحوم مجلسی در فصل دیگری از بحار الانوار فرموده: از وضعیت اسناد آن چنین فهمیده می شود که کتاب معتبری است و دو سید [رضی الدین و عبدالکریم] ابن طاووس،

۱. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۸ - ۳۶۴.

۲. ابن طاووس استاد علامه حلی رجالی بزرگ و متبحر است و ایشان (ابن طاووس) بر این کتاب اعتماد کرده است.

زیارات و روایات بسیاری از این کتاب نقل کرده‌اند و شیخ منتجب‌الدین در فهرست خود، درباره ابن مشهدی فرموده است: «ابوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی، فقیه، محدث و مورد وثاقت است». و از عبارات ریاض العلماء و دیگران چنین استفاده می‌شود که ابن مشهدی در زمره فقها بوده است. و از مقدمه کتاب *المزار الکبیر* چنین استفاده می‌شود که تمام آنچه در کتاب خود آورده است، مورد اعتماد او است. و تمام زیارات این کتاب، از معصومین رسیده است؛ هر چند بعضی از آنها را در جای خود، به امام معصوم، نسبت نداده است. مؤلف پس از خطبه کتاب خود چنین نوشته است: «در این کتاب، زیارات مختلفی را درباره مشاهد مشرفه و نیز درباره تشویق و ترغیب به مساجد، ادعیه برگزیده، تعقیب نمازها، مناجات با خداوند، نمونه‌ای از دعاهای روح‌بخش و دعاهایی برای امور مهم و عظیم آورده‌ام. این ادعیه را به سند خود از روایان شیعه که به ائمه اطهار می‌رسند، نقل کرده‌ام».

در آخر هم مرحوم نوری تکرار می‌کند که:

و يظهر منه أنه - رحمة الله - من اعظم العلماء واسع الرواية، كثير الفضل معتمد عليه كما انه يظهر مما ذكرنا من خطبة كتابه أن كل ما فيه من الدعوات و الزيارات، مأثورة عنهم عليهم السلام و منها اعمال مسجد الكوفة و الزيارات مختصة بأبي عبدالله عليه السلام في الأيام المخصوصة؛ از سخنان مرحوم مجلسی چنین بر می‌آید که او [مرحوم محمد بن مشهدی] از علمای بزرگ و آگاه به روایت و صاحب فضل و مورد اعتماد است. از مقدمه خطبه مؤلف نیز چنین بر می‌آید که تمام آنچه در این کتاب، از مجموعه زیارات و دعاها آمده، از ائمه اطهار رسیده است؛ از جمله اعمال مسجد کوفه و زیارت‌هایی که به امام حسین علیه السلام در روزهای ویژه اختصاص دارد.

پس محمد بن المشهدی ثقة است و بحثی پیرامون او نیست و ایشان گفته است هر چه می‌آورم به سند و راههای موثق از امامان است. از جمله زیارت‌هایی که نقل

کرده، همین زیارت ناحیه مقدسه است.

محورهای بحث و تحقیق

در ادامه در چهار محور بحث می‌کنیم: ۱. آشنایی با مؤلف؛ ۲. آشنایی با کتاب؛ ۳. بررسی شبهات؛ ۴. ذکر منابع.

۱. آشنایی با مؤلف

او محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری، معروف به ابن المشهدی است. ولادت او در سال ۵۱۰ هجری بوده و در سال ۵۷۳ هجری کتاب *مزار* را به پایان رسانده و تا ۵۹۴ هجری نیز در قید حیات بوده.^۱

استادان مرحوم ابن مشهدی:

او از محضر بیست و هفت استاد کسب فیض کرده که همه از ثقات هستند. ابن شهر آشوب، شاذان بن جبرئیل، عبدالله بن جعفر دوریستی، ابن زهره و ورام ابن ابی فراس نخعی از جمله اساتید وی می‌باشند.

شاگردان ایشان: سید فخار بن معد موسوی (راوی صحیفه سجادیه) و ابن نما (استاد محقق حلی).

از امتیازات ابن مشهدی این است که طریقهش به مفید، خیلی کوتاه است. او با سه واسطه و گاه با دو واسطه و بعضاً با یک واسطه به شیخ مفید می‌رسد. عمده طریق وی، ابن منصور نقاش موصلی از [الشریف النقیب] محمدی است. گاهی نیز از شاذان بن جبرئیل از محمد بن موسی بن جعفر دوریستی از محمد دوریستی نقل می‌کند. گاهی به جای شاذان، عدل بن دوریستی است.

ایشان طریق دیگری نیز دارد که عبارت است از: محمد طبری، حسن بن محمد و ابو جعفر.

مرحوم ابن مشهدی، از همان ابتدا به تحصیل پرداخت و در کمتر از ۲۰ سالگی

۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۳، ص ۲۵۲.

دروس عالیہ را آغاز کرد. کتاب *مقنعه* را نزد استادش، ابن منصور نقاش خواند.
از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم وی یک شخصیت معمولی نیست؛ به ویژه با توجه
به اظهار نظر بزرگان ما درباره شخصیت ایشان.^۱
اینک نمونه‌ای از کلمات بزرگان:

شهید اول (متوفای ۷۸۶ق): «الشیخ الامام السعید».^۲

شیخ حر عاملی: «کان فاضلاً محدثاً صدوقاً».^۳

مرحوم نوری: «الشیخ الجلیل السعید المتبحر مؤلف المزار المشهور... الذی اعتمد
علیه اصحابنا الابرار»؛ «یظهر منه أنه من اعظم العلماء واسعة الروایة كثير الفضل
معتمد علیه».^۴

مرحوم شیخ عباس قمی: «الشیخ الجلیل السعید المتبحر عظیم المنزلة والمقدار».

سید محسن امین (۱۳۷۱هـ): «شیخ جلیل متبحر محدث صدوق».^۵

مرحوم مدرس: «از کبار محدثین امامیه است؛ بسیار جلیل القدر و عظیم المنزلة
است».^۶

آقا بزرگ تهرانی: «عالم جلیل واسع الروایة».^۷

استاد ما آیت‌الله وحید خراسانی در درس اصول به مناسبت بحث «نهی در عبادت
موجب فساد و بطلان عبادت می‌شود یا خیر» فرمود: «اعتماد نا علی المزار المشهدی

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۲۱-۴۵ و خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲. اجازات بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۶.

۳. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۵۲ و خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱۹، ص ۳۶۴.

۴. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۲۱، ص ۱۹.

۵. همان، ج ۱۹، ص ۳۶۳.

۶. الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۴۰۹.

۷. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۰۲.

۸. ریحانه الادب، ج ۸، ص ۳۰۸.

۹. طبقات اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۲.

نتیجه لاعتماد السید عبد الکریم (ابن طاووس) و ولده علیه^۱.

علامه مجلسی: «المزار الکبیر، یعلم من کیفیت اسناده انه کتاب معتبر و قد اخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیراً من الأخبار و الروایات»^۲. از چگونگی سندهای آن چنین استفاده می شود که کتابی است معتبر و دو فرزند طاووس [سیدرضی الدین و سید عبدالکریم] روایات زیادی از این کتاب نقل کرده اند.

۲. آشنایی با کتاب

این کتاب، ظاهراً تلقی به قبول شده است؛ زیرا تا پیش از مرحوم آیت الله خویی کسی در اعتبار آن کتاب تشکیک نکرده بود. سید رضی الدین ابن طاووس و سید عبد الکریم بن طاووس بر این کتاب اعتماد کرده اند.

علامه مجلسی در مقدمه تحفة الزائر^۳ می گوید:

به نظر قاصر رسیده که با وجود زیارات منقوله از ائمه به زیارات مؤلف [یعنی زیارات غیر مأثوره] علما احتیاجی نیست. این مؤلف [ابن مشهدی] خواست که رساله ای تألیف کند که مأثور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین منقول گردیده است.

یعنی مرحوم علامه مجلسی قبول دارد که این کتاب مأثور است.

در بحار الانوار فرمود:

المزار الکبیر یعلم من کیفیت اسناده انه کتاب معتبر و قد اخذ منه السیدان ابنا طاووس کثیراً من الاخبار و الروایات.^۴

مرحوم نوری:

اعتمد علیه اصحابنا الابرار... یظهر من صدر کتابه الاعتماد علی کل ما اودعه فیه

۱. صوم عاشورا، ص ۴۸؛ یعنی اعتماد ما بر کتاب مزار مشهدی، به لحاظ اعتماد سید بن طاووس و فرزند او بر این کتاب است.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

۳. تحفة الزائر، ص ۳.

۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵.

أن ما فيه من الزيارات كلها مأثوره و ان لم يستند بعضها عليهم في محله^١؛
 اصحاب ما بر این کتاب اعتماد کرده... و از مقدمه و ابتدای کتاب چنین بر
 می‌آید که تمام زیاراتی که در کتاب خود آورده، از معصومین رسیده
 است، هر چند بعضی از آن را به معصومین نسبت نداده است.

مرحوم امین: «اعتمد علیه الاصحاب»^٢.

مرحوم شیخ عباس قمی: اعتمد علیه [المزار الكبير] علمائنا الابرار، الملقب بالمزار
 الكبير في بحار الانوار.^٣

مرحوم مدرس: «کتاب مزار محل اعتماد اکابر است»^٤.

مرحوم آیت‌الله میلانی: «و نجد في زيارة الامام المهدي وصفا دقيقا لما جرى على
 جده الحسين»^٥.

در زیارت حضرت مهدی علیه السلام توصیف دقیقی از وقایعی که بر جدش، امام
 حسین علیه السلام گذشته است می‌یابیم.

گویی صدور زیارت از امام علیه السلام را مسلم دانسته است.

نظر علامه مجلسی در باره زیارت ناحیه

علامه مجلسی^٦ می‌فرماید:

و الظاهر ان هذه الزيارة من مؤلفات السيد والمفيد علیه السلام و لعله وصل اليهما

خبر في كيفية الصلاة فان الاختراع فيها غير جائز.

به نظر ما اگر مقصود علامه مجلسی این باشد که این زیارت، انشا و ابداع این دو

١. مستدرک الوسائل، ج ١٩، ص ٣٥٩-٣٦٠ و ج ٢١، ص ١٩.

٢. اعيان الشيعة، ج ٩، ص ٢٠٢.

٣. الكنى واللقاب، ج ١، ص ٤٠٩.

٤. ریحانة الادب، ج ٨، ص ٢٠٨.

٥. قادتنا، ج ٦، ص ١١٥.

٦. بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٢٥١.

بزرگوار است، صحیح نیست؛ چون خود مؤلف می گوید: این ها مأثور است. مؤلف، در سال ۵۷۴ق این کتاب را نوشته است و خودش می گوید:

زيارة اخرى يختص بالحسين عليه السلام و هي مروية باسانيد و هي اول زيارة زار بها المرتضى علم الهدى.

شاید منشأ اشتباه، همین عبارت باشد که گمان کرده از تألیفات سید مرتضی است؛ ولی این، همانند عبارت مجلسی اول است که گفته است: «من در مدتی که در عراق بودم، فقط زیارت جامعه می خواندم». این دلیل نمی شود که زیارت جامعه، تألیف مرحوم مجلسی اول باشد.

سید بن طاووس می گوید:

فی زیارات ابی عبدالله الحسین عليه السلام زیارة بالفاظ شافیه ی ذکر فیها بعض مصائب یوم الطف یزار بها الحسین زاره بها المرتضى علم الهدى. مشتمل علی آداب و کیفیات و الصلوة؛^۱

در زیارات امام حسین عليه السلام، زیارتی است که با عبارات روشن، مصیبت های روز عاشورا را بازگو می کند و امام حسین را با این متن، زیارت می کنند. سید مرتضی علم الهدی نیز امام حسین را با این زیارتنامه زیارت کرد. و در برگرفته آداب و روش زیارت و نماز زیارت است.

البته معنای این عبارت ابن طاووس این نیست که متن زیارت نیز از سید مرتضی باشد؛ لذا اگر علامه مجلسی چنین برداشتی را کرده باشد، جای تأمل، بلکه غیر مقبول به نظر می رسد.

نکته شایسته دقت، این است که مرحوم قمی در کتاب گران سنگ خود، *نفس المهموم*، عباراتی از این زیارت را بدون هیچ تردیدی، به حضرت مهدی عليه السلام نسبت داده و می فرماید:

۱. مصباح الزائر، ص ۱۶۴.

فكان وصفه الامام المهدي: كنت للقرآن سنداً وللامة عضداً وللرسول ولداً؛
امام مهدی در توصیف امام حسین فرموده است: تو پشتوانه قرآن و بازوی
امت و فرزند رسول الله بودی.

۳. بررسی شبهات

الف. اگر این زیارت مأثور است، چرا شیخ عباس قمی، آن را در *مفاتیح الجنان*
نیآورده است؟

جواب: ۱. مرحوم قمی، آن را آورده است؛ ولی در کتاب *نفس المهموم*.

۲. این زیارت، طبق نقل ابن مشهدی، از زیارت‌های روز عاشورا است و مرحوم
قمی، در باب زیارت عاشورا، در مقام استقصای تمام زیارات عاشورا نبوده است؛
بلکه فقط دو زیارت را آورده و به همان دو اکتفا کرده است.

۳. آیا محدث قمی تعهد داده است که تمام زیارات صحیحه را در کتاب خودش

جمع و غیر صحیح را رها کند و اصلاً آیا کتب اربعه چنین تعهدی داده‌اند؟

۴. شاید مرحوم قمی، روال و مبنای خاصی برای تألیف *مفاتیح الجنان* داشته است
که این زیارت در این چهار چوب نمی‌آمده است؛ مثل شریف رضی، که خطبه‌های
امیر المؤمنین علیه السلام را جمع آوری کرده است. آیا می‌توان گفت همه خطبه‌های
حضرت امیر، همین مقدار است؟ خیر؛ بلکه روش وی این بوده است که *نهج البلاغه*
بنویسد؛ یعنی خطبه‌هایی که جنبه بلاغی داشته است. شاید شیخ عباس قمی هم چنین
مبنایی داشته است؛ یعنی زاویه و بُعد خاصی را در نظر گرفته و برطبق آن زیارت
عاشورا را آورده؛ ولی زیارت ناحیه را ذکر نکرده است؛ هر چند به آن مبنا اشاره
نکرده است.

۵. *مفاتیح الجنان*، کتاب جامع و کاملی نیست. مرحوم قمی، از ۵۴ دعای صحیفه

سجادیه، فقط یک دعا را آورده است. ابن طاووس در *اقبال اعمال شب قدر* را
مفصل آورده است؛ ولی ایشان به طور مختصر ذکر کرده است. در *بحار الانوار*

چندین زیارت نقل شده که ایشان نیاورده است. اصلاً شیخ عباس قمی، بنا نداشته است کتاب کامل و جامعی بنویسد و شاید چنین ادعائی را هم نکرده باشند؛ بلکه بنا بر نقلی معروف، وی مفاتیح الجنان را به صورت یادداشت برای خودش نوشته است، تا به همراه داشته باشد.

۶. شاید وی از درازنویسی پرهیز داشته و به دنبال اختصار بوده است و زیارت ناحیه، با اعمال خاص آن، خیلی طولانی می‌شود. اگر دعاها و زیارات طولانی و مفصل دیگری را آورده است، به این دلیل است که بدل و جایگزین نداشته؛ اما زیارت ناحیه را ذکر نکرده است؛ چون بدل و جایگزینی برای آن، داشته و آن دو زیارت عاشورا است.

ب. عبارت «ناشرات الشعور» را چگونه می‌توان پذیرفت؟ آیا می‌توان ادعا کرد زینب کبری علیها السلام و سایر مخدرات، پس از واقعه شهادت امام حسین علیه السلام با گیسوان پریشان و بدون روسری و حجاب، سراسیمه از خیمه‌ها بیرون آمدند. آیا این صحنه، با مقام زنان اهل بیت، سازگار است؟

جواب: گیسوی پریشان، با مکشوف بودن سر و بدون حجاب بودن، هیچ تلازمی ندارد؛ چون ممکن است - و حتماً نیز همین است - که گیسوان خود را - برای حزن و مصیبت و عزا، زیر چادر و عبا و حجاب کامل پریشان کرده باشند. البته این شیوه، بین عرب، رسم و عرف بوده است. در همین باره؛ روزی از استاد بزرگوارم، آیت‌الله وحید، همین شبهه را پرسیدم و آن بزرگوار، پاسخی به همین مضمون بیان فرمود.

ج. نظر و اشکال مرحوم آیت‌الله خوئی: از معاصران، تنها کسی که به کتاب مزار و مؤلف آن، نظر منفی دارد، مرحوم آیت‌الله خوئی است. روش وی در *معجم الرجال* این است که افراد موجود در اسناد کتب اربعه را - به هر عنوان و لفظ و عبارت که آمده‌اند - می‌آورد؛ برای مثال، برقی را که گاهی با عنوان محمد برقی و گاهی محمد بن خالد و... می‌آورد؛ ولی ترجمه و شرح حال و اظهار نظر را یک جا می‌آورد و این، برای تمیز مشترکات بسیار مفید است. مرحوم خوئی، مرحوم مشهدی را به

همین علت در چند جا نقل می کند.

الف. در مقدمه جلد اول، به اعتبار این که می خواهد مبانی رجالی خود را نقل کند، در زمینه توثیقات عام، از ابن مشهدی و کتاب او نیز نام می برد؛ چون ابن مشهدی در مقدمه کتابش می گوید:

فأنى قد جمعت فى كتابى هذا من فنون الزيارات للمشاهد المشرفات - الى ان قال - مما اتصلت به من ثقات الرواة الى السادات.

به این مناسبت، مرحوم خوئی در مقدمه کتاب رجالی خود، می فرماید:

هذا الكلام منه صريح فى توثيق جميع من وقع فى اسناد روايات كتابه؛ لكنه لا يمكن الاعتماد على ذلك من وجهين: ۱. انه لم يظهر اعتبار هذا الكتاب فى نفسه فان محمد بن المشهدى لم يظهر حاله بل لم يعلم شخصه و إن اصرّ المحدث النورى على انه محمد بن جعفر بن على بن جعفر المشهدى الحائرى فان ما ذكره فى وجه ذلك لا يورث الا الظن. ۲. ان محمد بن المشهدى من المتأخرين و قد مرّ أنه لا عبرة بتوثيقاتهم لغير من يقرب عصرهم من عصره فأنا قد ذكرنا أن هذه التوثيقات مبنية على النظر و الحدس فلا يترتب عليها اثر.

این سخن ابن مشهدی صراحت دارد در این که تمام راویان در سلسله سند این کتاب [المزار] موثق می باشند؛ ولی نمی توان به این سخن اعتماد کرد؛ به دو دلیل:

۱. اعتبار کتاب روشن نیست؛ چون شخصیت محمد بن مشهدی معلوم نیست؛ یعنی مجهول الوصف است، بلکه شخص او برای ما مجهول است. هر چند محدث نوری اصرار دارد ثابت کند مؤلف کتاب، همان محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری است؛ لیکن این کلام، موجب ظن است، نه اطمینان.

۲. توثیقات متأخران، برای ما معتبر نیست؛ چون از روی حدس و اجتهاد

است و آنچه از نظر ما معتبر است، حس می‌باشد.

ب. شخصی را به نام محمد بن جعفر بن علی بن جعفر المشهدی الحائری ذکر می‌کند و درباره او می‌فرماید:

الشيخ الجليل السعيد المتبحر ابو عبدالله المعروف بمحمد بن المشهدی وابن المشهدی مؤلف المزار المشهور الذي اعتمد عليه اصحابنا الابرار الملقب بالمزار الكبير في بحار الانوار ذكره المحدث النوري^۱ في عداد مشايخ محمد بن جعفر بن نماي الثالث من مشايخه.^۲

ج. درج ۱۵، ص ۱۷۶ می‌فرماید:

محمد بن جعفر المشهدی كان فاضلا محدثا صدوقا له كتب يروى عن شاذان بن جبرئيل القمي.^۳

د. درج ۱۷، ص ۵۶، می‌گوید:

محمد بن علی المشهدی ذکر صاحب الوسائل فی مقدمة الوسائل ان له كتاب المزار.

ه. درج ۱۷، ص ۲۵۹ می‌گوید:

محمد بن المشهدی له كتاب يعرف بالمزار و تقدم في المدخل أن المحدث النوري قد أصر في الفائدة الثانية من خاتمة مستدرکة التي شرح فيها حال الكتب المأخوذة عنها روايات المستدرک و حال مؤلفيها عن بيان حال كتاب المزار أنه محمد بن جعفر بن علی ابن جعفر المشهدی الحائری و ذكرنا أن ما ذكره في وجه ذلك لا يورث الا الظن فانه لم يذكر دليلا على ذلك بل ينافيه كلام صاحب الوسائل في مقدمة الوسائل من ان والده علی، و احتمال كونه من النسبة الى الجد يبعده أن علیا المشهدی لم يكن من المعاريف بل لم يعلم انه كان من العلماء حتى ينسب حفيده اليه؛

۱. **مستدرک وسائل الشیعه**، ج ۲۱؛ ص ۱۹. این، کلام محدث نوری است که خوئی نقل کرده است، نه کلام خودش؛ در غیر این صورت، در کلام مرحوم خوئی تناقض ایجاد می‌شود.

۲. **معجم الرجال**، ج ۱۶، ص ۱۷۰.

۳. این عبارت را نیز از حرعاملی نقل کرده است و کلام آیت‌الله خوئی نیست.

ابن مشهدی کتابی دارد به نام *مزار* و در مقدمه کتاب اشاره کردیم که محدث نوری در خاتمه مستدرک - که شرح حال مؤلفان منابع کتاب مستدرک را آورده است - اصرار دارد که نویسنده کتاب *مزار*، محمدبن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری است. ما در پاسخ گفتیم: گفته‌ی وی ظن‌آور است، نه یقین‌آور؛ چون ایشان دلیلی ارائه نکرده است. بلکه با کلام حر عاملی صاحب وسائل منافات دارد که پدر ابن مشهدی را «علی» ذکر کرده است؛ در حالی که مرحوم نوری «جعفر» را پدر ابن مشهدی آورده است.

ممکن است گفته شود: «علی» نام جد او است و در اثر شهرت، شخصی را به جدش منسوب می‌کنند؛ همانند «علی بن بابویه»؛ ولی در جواب می‌گوییم: اولاً جد او از معاریف نبوده است. ثانیاً معلوم نیست از علما باشد، تا نوه‌اش را به او نسبت دهند.

ولی به نظر ما اعتماد امثال ابن طاوس، شهید اول، مجلسی، حر عاملی، مرحوم نوری، سید محسن امین و شیخ عباس قمی، موجب علم به وثاقت ابن مشهدی می‌شود، و ما نیز همانند استاد خود حضرت آیت‌الله وحید حفظه‌الله، بر ابن مشهدی اعتماد کرده و معتبر می‌دانیم.

منابع زیارت ناحیه

از قدما و متأخران، بسیاری هستند که به زیارت ناحیه و کتاب *المزار* نظر مثبت داشته‌اند. البته مورد بحث، در این جا، زیارت ناحیه است و عمده مدرک آن، *المزار* ابن مشهدی است؛ ولی این، تنها منبع نیست و در منابع دیگری نیز آمده است. اکنون به بررسی منابع متقدم و متأخر این زیارت می‌پردازیم:

الف: متقدمان

۱. *مزار شیخ مفید*. مرحوم علامه مجلسی، در *بحار الانوار*^۱ زیارت ناحیه را به *مزار*

۱. *بحار الانوار*، ج ۹۸، ص ۳۱۷.

مفید نسبت داده و می گوید:

قال الشيخ المفيد (ع) في كتاب المزار بعد ايراد الزيارة التي نقلناها من المصباح قال ما هذا لفظه زيارة اخرى في يوم عاشورا برواية اخرى اذا اردت زيارته بها في هذا اليوم فقف عليه و قل السلام على آدم صفوة الله...

(البته كتاب مفيد در دسترس ما نيست).

۲. مصباح سيد مرتضى. علامه مجلسي از سيد مرتضى در مصباح الزائر نقل مي كند كه سيد گفته:

زيارة بالفاظ شافيه يذكر فيها بعض مصائب يوم الطف يزار بها الحسين (ع) زار بها المرتضى علم الهدى و سأ ذكرها على الوصف الذي اشار هو اليه قال: فاذا اردت الخروج من بيتك قل: اللهم اليك توجهت... [سپس همين زيارت ناحيه را نقل مي كند.]

بر فرض كه اعتبار كتاب مزار ابن المشهدي ثابت نشود؛ ولي سيد مرتضى و شيخ مفيد آن را نقل کرده اند.

ب. متأخران

۱. ابن طاووس در مصباح الزائر آن را از سيد مرتضى نقل کرده؛ ولي اسم ايشان را نياورده است.

۲. علامه مجلسي در چهار جاى كتابش به كتاب سيد مرتضى اشاره دارد و در جاى مي گويد:

والظاهر انه سقط من النسخ الزيارة التي الحقناها من رواية السيد.

۳. علامه مجلسي در تحفة الزائر نيز اين زيارت را آورده است.^۱

۴. فيض كاشاني نيز آن را در كتاب صحيفه مهديه^۲ آورده است؛ (البته جاى تأمل دارد).

۱. تحفة الزائر، ص ۳.

۲. صحيفه مهديه، ص ۳ و ص ۲۰۲.

۵. در جامع احادیث الشیعه^۱ نیز آمده است.

۶. ابراهیم بن محسن فیض کاشانی در الصحیفة الہادیة و التحفة المہدیة کہ اولین چاپ آن، ۱۳۱۸ق بوده و درباره دعاهای و زیارات و توقیعاتی است کہ از امام مہدی علیہ السلام رسیدہ است، این زیارت را آورده است.^۲ در صفحہ ۳ این کتاب چنین آمده است:

چون بہ واسطہ غایب بودن نور، سینہام تنگ شدہ بود، بر تألیف کتابی ہمت گماشتم کہ مطالب آن، از امام زمان علیہ السلام صادر شدہ باشد.

در صفحہ ۲۰۲ می گوید:

زیارتی کہ از ناحیہ امام زمان بہ سوی یکی از چہار نایب صادر شدہ است.

سپس این زیارت را نقل می کند.

البتہ شروح متعددی نیز دارد، مانند کشف داحیة فی شرح زیارة الناحیة، و کتاب الشمس الضاحیة^۳ و شرح زیارت ناحیہ بہ زبان اردو^۴.

نتیجہ

۱. این زیارت، از ناحیہ امام زمان علیہ السلام برای برخی از نواب صادر شدہ کہ بہ دست برخی از علما، مثل شیخ مفید و ابن مشہدی رسیدہ است.

۲. این زیارت، دارای اسانید متعدد و معتبری است؛ چنان کہ ابن مشہدی بہ آن تصریح کردہ است.

۳. سید مرتضی، در اولین تشریح بہ کربلا، این زیارت را خواندہ است.

۴. بسیاری از عبارات این زیارت، با زیارات دیگر مطابق است.

۱. جامع احادیث الشیعه (زیر نظر آیت... بروجردی)، ج ۱۵، ص ۴۰۵، ح ۱۶.

۲. الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۵.

۳. الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۴.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۳۰۸.

۵. در این زیارت معنویت خاصی مشهود است و مضامینی عالیه دارد.

۶. سید مرتضی، زیارت و آداب آن را این گونه آورده است:

فأذا اردت الخروج من بيتك فقل: اللهم اليك توجهت... فأذا بلغت المنزل تقول: رب انزلني منزلاً مباركاً... فإذا رأى القبة فيقول: الحمد لله و السلام على عباده... فإذا قرب من المشهد يقول: اللهم اليك قصد القاصدون... فإذا بلغ موضع القتل يقول: اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا... ثم تدخل القبة و تقف على القبر و تقول: السلام على آدم صفة الله... ثم تحول الى عند الرأس و قل السلام عليك يا ابا عبدالله... ثم انكب على الضريح و قبل التربة و قل: السلام عليك يا اول مظلوم انتهك دمه... ثم تحول الى جانب القبر و تستقبل القبلة و ترفع يديك و تقول: اللهم ان استغفاري اياك...

و بعد نوبت توسل می شود كه: اللهم انا نتوسل بهذا الصديق الامام... ثم تحول الى عند الرجلين و قل: السلام عليك يا ابا عبدالله... ذكر زيارة على بن الحسين عليه السلام ثم تحول الى عند رجلى الحسين فقف على على بن الحسين عليه السلام و قل: السلام عليك ايها الصديق... ثم تقول: صلوات الله عليكم... ثم انكب على القبر و قل: زاد الله في شرفكم... زيارة الشهداء رضوان الله عليهم. ثم توجه الى البيت الذي عند رجلى على بن الحسين عليه السلام و تقول: السلام عليك يا ابا عبدالله... ثم تسلم على الشهداء من اصحاب الحسين عليه السلام و تستقبل و تقول: السلام عليكم يا انصار الله... ثم عد الى موضع رأس الحسين صلوات الله عليه و استقبل القبلة وصل ركعتين صلاة الزيارة تقرأ في الاولى الحمد و سورة الانبياء و في الثانية الحمد و سورة الحشر أو ماتهما لك من القران فاذا فرغت من الصلوة فقل سبحان ذي القدرة والجبروت... ثم قبل الضريح و قل: السلام عليك ايها الامام الكريم... فاذا اردت الوداع فصل ركعتين و قل: السلام عليك يا خير الانام... ثم انكب على القبر و قل: يا مولاي لاتروى النفس من مناجاتك...^۱

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱-۲۴۹.

بالآخره از تأکید مرحوم سید بر این آداب، به ویژه دستور به جا آوردن دو رکعت نماز چنین استفاده می‌شود که این زیارت، مأثور و از بعضی از امامان اطهار رسیده است. اگر به این مطلب قطع پیدا نشود، دست کم اطمینان و وثوق پدید می‌آید و همین امر، ما را کفایت می‌کند؛ بنابراین می‌توان به طور اکید و اطمینان بخش، این زیارت را به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منسوب کرد. سند آن نیز از نظر ما بی‌اشکال است، به ویژه با توجه به تصریح ابن مشهدی در مقدمه کتاب.

